

## یادداشت‌های سیاسی ایران

۱۸۸۱-۱۹۶۵

«جلد دهم»

۱۹۳۵-۱۹۳۸

(۱۳۱۴-۱۳۱۷)

جلد دهم این مجموعه به سالهایی از حاکمیت رضاشاه می‌پردازد که ایران دستخوش تحولات اقتصادی و اجتماعی فراوانی شده است: سفر رضاشاه به ترکیه و الهام گرفتن از آراء و تفکرات آتاتورک و در نتیجه پیاده کردن بخشی از سیاستهای وی در کشور از جمله رخدادهای مهم این دوران است. ایجاد دگرگونیهای شتابزده فرهنگی و اجتماعی در جامعه ایرانی آن هم بدون ملاحظات قومی و سنتی باعث شد تا در اقشار مختلف مردم بویژه سنت‌گرا نقش ایجاد کند و بعضاً نغمه «ضد‌دین خواهی» رضاشاه را زمزمه کنند. مقدمه جلد دهم این مجموعه، توانسته تا حدودی شرایط و اوضاع حاکم بر آن ایام را به قلمی ساده و روان بیان کند که مجملی از آنرا جهت اطلاع از کم‌وکیف اسناد این جلد ذیلاً ذکر می‌کنیم.

«این چهارسال برای ایران منشأ تحولات اقتصادی و اجتماعی بشمار می‌رفت. کشور کماکان تحت سلطه مقتدرانه رضاشاه قرارداشت. با خواندن تلگرامهای شماری از دیپلماتهای کشورهای مختلف، به کرات به توصیف‌های یکسان آنها درباره رضاشاه و ماهیت رژیم وی برمی‌خوریم. شاه، مرد قدرتمند، مصمم و بیرحمی است که عمیقاً از فقر و عقب‌ماندگی کشورش احساس شرمساری می‌کند. وی در رسیدن به هدفش مصمم بود و آنهاییکه در این راه با او مخالفت می‌کردند یا به نحوی سوءظن او را برمی‌انگیختند، در واقع آزادی شخصی خود را به خطر می‌انداختند.

ویکتور ماله (Victor Mallet) در یادداشت شخصی مورخ ۵ ژانویه خود ضمن تعریف و تمجید از سخت‌کوشی‌های رضاشاه، خاطرنشان می‌سازد که «اخبار بد» همیشه به سمع و نظر شاه نمی‌رسید و درست همین عامل بسیار مهم بود که در چهل

سال بعد اسباب سقوط خاندان پهلوی را فراهم آورد. دیدگاه رضاشاه به جهان آنسوی مرزهای ایران اغلب متأثر از سوءظن عمیق وی نسبت به انگیزه‌های دولتهای دیگر، بویژه دولت بریتانیا و اتحاد شوروی بود. (در ژوئن ۱۹۳۷، شماری از افسران ارتش ایران به جرم مشارکت در توطئه سازمان یافته‌ای از سوی کرملین برای براندازی سلطنت دستگیر شدند.) دیدار رضاشاه از ترکیه در تابستان ۱۹۳۴ برای وی بسیار الهام‌بخش بود.

وزیرمختار بریتانیا در گزارش سالانه خود برای سال ۱۹۳۵، بر ویژگی جالب توجه دیگری از شخصیتی رضاشاه تأکید ورزیده است. اندکی پس از بازگشت رضاشاه از ترکیه، این دیپلمات با وی دیدار و تصریح کرد که رضاشاه مسلماً الگوی برخی اسلاف خود یعنی قاجارها را دنبال نخواهد کرد و در نتیجه به اروپا سفر نخواهد کرد؛ زیرا وی نمی‌توانست مستقیماً شاهد باشد که تا چه اندازه بین آن دولتهای مدرن و کشور خویش فرق نمایان وجود دارد.

تحصیلات رسمی رضاشاه بینهایت محدود بود و او مرد کم‌سخنی - ولی معمولاً بڑا - بود [...] علاقه شاه به امور نظامی در این دوره کماکان حفظ شده بود و به نیروی دریائی و هوائی جدیدالتاسیس همچون نیروی زمینی ارزش و بها می‌داد.

جلد دهم این مجموعه با سال ۱۹۳۵ آغاز شده است. در این سال نفوذ طبقات مذهبی در زمینه‌هایی چون آموزش و پرورش و حقوق که قبلاً زمانی بسیار ذی‌نفوذ بوده‌اند بشدت کاهش پیدا کرد و این روند از قرار معلوم تا مدتی ادامه پیدا کرد. رفتار رضاشاه در قبال رهبران مذهبی مماشات گونه بود طوری که می‌خواست این طرز برخورد را به همه کسانی که ظاهراً با او مخالف بودند یا کسانی که فکر می‌کرد آنها در «عق ماندگی» ایران سهیم‌اند نشان دهد.

یکی از شیوه‌هایی که در آن رضاشاه خشم و غضب خود را در برابر باورهای سنتی اسلامی ایرانیان نشان داد، مسئله کشف حجاب زنان در ملاء عام بود. این قانون جدید در فوریه ۱۹۳۶ به اجرا گذاشته شد البته قبل از تنفیذ، شاه به همراه ملکه و دو فرزند دخترش در یک مراسم عمومی در تهران حضور پیدا کرده بود که هر سه آنها بی‌حجاب و به سبک اروپائی لباس پوشیده بودند. طبق برخی تلگرامهای منتشره در این مجلد، این قانون جدید با اعمال «خشونت و بیرحمی» به اجرا درآمد. استفاده از چادر بیرون از منزل بکلی قدغن اعلام شد [...] البته مقررات جدید لباس پوشیدن تنها راهی نبود که

رضاشاه برای کاستن مظاهر اسلامی مردم در پیش گرفت. از سال ۱۹۳۵ بعضی از مساحد بسیار مهم کشور که قبلاً به روی غیرمسلمانان بکلی بسته شده بود، پس از اعلام این بناها به عنوان بناهای ملی تاریخی، بالاجبار پذیرای غیرمسلمانان به عنوان بازدید کننده شدند (یکی از محلها، بارگاه حضرت امام رضا در مشهد بود).

به منظور کم جلوه‌تر ساختن نقش طبقات مذهبی در جامعه، اصطلاحات قانونی جدید کماکان ادامه پیدا کرد. مسئله ازدواج کماکان یک سنت قلمداد می‌شد در حالیکه از سال ۱۹۳۶، مقرر شد که زوجهای جوان باید عقد خود را نزد یک حقوق‌دان [دفترخانه اسناد رسمی] به ثبت برسانند.

سالهای بعد از ۱۹۳۵، روابط ایران و انگلیس دوران نسبتاً آرامی را پشت سر می‌گذاشت. در سال ۱۹۳۵، دو انبار نظامی در دو جزیره هنگام و باسعید [در استان هرمزگان]، بدون اینکه از قبل اطلاعی از سوی لندن به تهران داده شود، تعطیل گردید. بعد از آن سال، ایران مسئولیت کنترل گوی‌های شناور دریانوردی در خلیج فارس را که قبلاً در انحصار بریتانیا بود برعهده گرفت. در مه ۱۹۳۶، مرگ شیخ خزعل نقطه پایانی بر فصل دیگری از مناقشه بنی ایران و بریتانیا بود. روابط بین شرکت نفت ایران و انگلیس و تهران در این دوره حسنه توصیف شده و اعضای ارشد هیئت مدیره بردیدارهای منظم و مفید خود از ایران ادامه می‌دادند. در پی توافق جدیدی که در سال ۱۹۳۳ حاصل شده بود، این شرکت قول داده بود تا تعداد کارکنان ایرانی خود را افزایش دهد. عملی ساختن چنین نیتی تقریباً دشوار بود زیرا ایرانیانی که در زمینه‌های مثلاً برق یا لوله‌کشی مهارت لازم را کسب کرده بودند، اغلب برای دستمزد بالاتر ترجیح می‌دادند که برای اشتغال در شرایط آب و هوایی طاقت‌فرسای حوزه‌های نفتی، در تهران کار کنند.

در طول این چهارسال تحولات چشمگیری در طرحهای راه‌آهن ایران صورت گرفت. ساخت ایستگاه راه‌آهن تهران در سال ۱۹۳۵ آغاز گردید و بخشی از خط‌آهن ارتباطی بنی پایتخت و پایانه دریای خزر در آوریل ۱۹۳۶ افتتاح شد. مراسم آغاز به کار رسمی کل این خط ارتباطی در اوت ۱۹۳۸ برگزار گردید، البته بهره‌برداری کامل از این خط تا مدتی بعد از مراسم افتتاح آغاز گردید. حکومت ایران از اینکه شش ماه زودتر از موعد برنامه‌ریزی شده توانسته بود این خط را افتتاح نماید احساس غرور می‌کرد. البته ساخت این طرح - که از مالیاتهای قندوشکر تأمین شده بود - بیشتر از آنچه که پیش‌بینی شده بود هزینه برداشت.

از دیگر تحولات شاخص در زمینه حمل و نقل افتتاح خط هوایی بین برلین و تهران در آوریل ۱۹۳۸ بود که توسط شرکت هواپیمائی لوفت‌هانزای آلمان انجام می‌شد و پروازهای آن حدوداً ۳۰ ساعت به طول می‌انجامید. این سرویس جدید هوایی با اقبال مواجه شد زیرا، طبق چندین گزارش منعکس شده در این مجموعه، فعالیتهای تجاری آلمان در ایران روبه گسترش بود.

طبق روال گذشته، رضاشاه علاقه وافری به نیروهای مسلح ایران داشت و تجهیزات جدید در رسته‌های مختلف خریداری می‌شد (طبق برخی گزارشها، مخارج نیروهای مسلح احتمالاً بیش از ۲۵ درصد بودجه دولت را به خود اختصاص می‌داد).

در سال ۱۹۳۸، دولت اجرای طرح جدید مدیریت استانی را که برای ساده کردن سیستم و تقویت حکومت مرکزی طرحریزی شده بود آغاز کرد. تا سال ۱۹۳۸، بسیاری از طرحهای عمران شهری استان تهران در شرف اتمام بود. در دسامبر ۱۹۳۶، دانشجویان دانشکده تربیت معلم تهران دست به اعتصاب زدند. آنها خواستار این بودند که پس از فارغ‌التحصیل شدن بتوانند مشاغل پرسودتری را در مدارس خصوصی اختیار کنند و مجبور نباشند در موسسات دولتی با حقوق کمتر به تدریس مشغول شوند.

فهرست شخصیت‌های ایرانی از موارد جالب توجه در بسیاری از مجلدات این مجموعه است. فهرستی که در سال ۱۹۳۷ تهیه شده مشتمل بر بیش از ۲۰۰ نام است که بسیاری از آنها جوان هستند و در فهرس قبل وجود نداشتند. آقای تروت (A.C. Trott)، دبیرشرفی سفارت که این فهرست را گردآوری کرده، شخصی کاملاً مطلع و آگاه بود. تروت (Trott) معتقد بود که برخی از این شخصیت‌های ایرانی برای حکومت آینده کشور، از ارزش زیادی برخوردار بودند که نام برخی از آنها بدین قرار است: علی امینی، ابوالحسن ابتهاج، نصرالله انتظام، متین دفتری و حسن نفیسی، جلدهای بعدی این مجموعه بخوبی نشان خواهد داد که تاچه اندازه قضاوت تروت صحیح بوده.

#### «۱۹۳۵»

در این سال ۲۶ فقره گزارش‌های مختصر اطلاعاتی از سوی ای.سی.تروت، قائم مقام وابسته نظامی (A.T. Trott)، و جی دی پای باس (G.D. Py Bus) وابسته نظامی سفارت بریتانیا در تهران تهیه و تنظیم شده و برای وزارت امور خارجه بریتانیا ارسال

- شده است. موضوعاتی که در این گزارش‌ها به آنها پرداخته شده بدین قرار است:
- |              |                     |                                    |
|--------------|---------------------|------------------------------------|
| اتباع بیگانه | مقامات ایرانی       | ارتباطات                           |
| نشریات       | ارتش                | قوای سه‌گانه زمینی، هوایی و دریایی |
| ژاندارمری    | منافع کشورهای خارجی | امنیت داخلی کشور                   |
| انتصابهای    | کشوری               | و لشکری                            |
- برخی اخبار مهم که در این گزارش‌ها آمده جهت اطلاع ذیلاً آورده شده است:
- امنیت مناطق خراسان، بلوچستان و سرحد کماکان مغشوش است و در جاده‌های مناطق خراسان و میرجاوه و زاهدان غارتگری‌هایی گزارش شده است. (گ - ۱)
  - دکتر داریوش به سمت مدیر اداره بیسیم منصوب گردید. سرلشکر مهدی قلی‌خان تاجبخش به عنوان فرماندار بلوچستان منصوب شد. (گ - ۲)
  - برطبق گزارش ارائه شده از بندرعباس، کار تعویض تنگه زاغ در جاده بندرعباس - کرمان از اواخر ماه دسامبر آغاز گشت. (گ - ۳)
  - نچ بال هیوسن (Knatchbull - Hugessen) وزیرمختار بریتانیا در تهران برای دیداری از منطقه خلیج فارس، روز دهم فوریه تهران را ترک گفت. (گ - ۴)
  - برطبق گزارشی از بلوچستان، سرلشکر امان‌الله میرزا، افسر فرمانده نیروهای منطقه شرق کشور به همراه نیروهای ستادی خود و ۱۵۰ نفر پیاده‌نظام وارد زاهدان شد. (گ - ۴)
  - سلطان محمدخان عامری به جای سردار انتصار به سمت فرماندار آذربایجان غربی منصوب گردید. (گ - ۵)
  - قرار است گردان جدیدی از ژاندارمری در منطقه سرحد بلوچستان مستقر شود. (گ - ۶)
  - سیدباقرخان کاظمی (وزیرامور خارجه) روز هشتم مارس از ژنوورم به تهران بازگشت. وی برای تسلیم نظرات ایران درباره مناقشات مرزی ایران و عراق به جامه ملل به ژنو سفر کرده بود.
  - کاوش‌های زمین‌شناسی شرکت نفت ایران و انگلیس در مناطق غرب و شمال غربی شوش در حال انجام است.
  - خالد بای [بن] سلیمان بعنوان وزیرمختار و فرستاده فوق‌العاده عراق در ایران منصوب شدند. (گ - ۷)
  - امیرلشکر محمدحسین آیرم برای جراحی گلو روز سی‌ام مارس عازم اروپا شد.

- برطبق گزارش تایید نشده‌ای افراد زیر دستگیر شده‌اند: (گ - ۸)
  - رهنما، دبیر روزنامه ایران و برادرش
  - شیخ علی دشتی، دبیر روزنامه شفق سرخ
  - سیدمحمد تدین (عضو شورای عالی آموزش و پرورش)
  - محمدعلی یمین اسفندیاری (فرماندار سابق مازندران)
- هیچ جزئیاتی درباره این دستگیریه‌ها گزارش نشده است.
- روزنامه شفق سرخ به حال تعلیق درآمد.
- مظفرخان علم، سردار انتصار و مصطفی قلی‌خان بیات و صمصام‌الملک به منظور بررسی روش‌های کشاورزی صنعتی در اتحاد جماهیر شوروی اعزام این کشور شدند.
- (گ - ۹)
- آمار دقیق تلفات زلزله مازندران منتشر نشده است ولی به نقل از یک منبع شمار قربانیان این حادثه به بیش از ۵۰۰ نفر رسیده است.
- چرنیک (Tchernykh)، سفیر جدید شوروی به تهران آمد. (گ - ۱۰)
- باقرخان کاظمی وزیرامور خارجه تهران را به مقصد ژنو ترک کرد.
- دهمین جلسه مجلس روز ششم ژوئن افتتاح شد.
- محسن خان رئیس به سمت وزیرمختار ایران در آلمان تعیین شد (گ - ۱۱)
- ابراهیم‌خان دادرز به سمت استاندار خوزستان منصوب شد.
- عناوین عمده نشریات داخلی بدین قرار است:
- الف) مناقشه مرزی ایران و عراق
- ب) اعزام هیأت اقتصادی ایران به اتحاد جماهیر شوروی
- شاه دهمین جلسه مجلس را روز ششم ژوئن افتتاح کرد. (گ - ۱۲)
- پس‌لرزه‌های خفیف کماکان در اطراف ساری و شاهی در استان مازندران احساس می‌شود.
- گزارش شده است که طایفه یارمحمدزائی (Yarmuhammadzai) کماکان به اقدامات خشونت‌آمیز خود ادامه می‌دهند و به غارت کاروانها می‌پردازند.
- درگذشت (۱) شاهزاده امیرمحترم دولتشاهی (۲) ام.اچ. میرزیانتس، نماینده ارمنه در مجلس.
- بازگشت باقرخان کاظمی وزیرامور خارجه از ژنو به تهران در روز ۲۶ ژوئن. روز بعد

- از آن اعلیحضرت همایونی وی را به حضور پذیرفت. (گ - ۱۳)
- لشکر تازه تأسیس «فارس» به اسم «لشکر هفتم» نامگذاری شد.
  - در خلال ماه چندین مهندس سوئدی به همراه خانواده‌هایشان جهت اشتغال در پروژه ساخت پل کارون در اهواز وارد کشور شدند.
  - آژانس خبری فارس گزارش داد که کاردار جدید سویس بزودی استوارنامه خود را تسلیم خواهد کرد.
  - روز دهم ژوئیه، بهلول روضه‌خوان در پی ایراد سخنانی اعتراض‌آمیز خود درخصوص تغییر روسری بانوان دستگیر و در حرم حضرت رضا(ع) محبوس گردید.
- (گ - ۱۵)
- قرار است سفارت ایران در کشورهای بالکان در شهر بخارست افتتاح شود. (گ - ۱۶)
  - نوری سعید پاشا، وزیر امور خارجه عراق به همراه وزیر دادگستری این کشور به منظور بحث و گفتگو پیرامون مناقشات ایران و عراق روز پنجم اوت وارد تهران شد.
  - روز بیستم اوت، در پادگان عشرت‌آباد واقع در ۲ مایلی شمال شهر تهران آتش‌سوزی رخ داد و مقدار قابل توجهی از سلاح و مهمات طعمه حریق گردید. (گ - ۱۷)

\* \* \*